

تأثیر آموزش ترکیبی بر عملکرد تحصیلی محصلین دیپارتمنت جغرافیایی پوهنحی تعلیم و تربیه پوهنتون بلخ

پوهندوی نظر محمد معصومی^۱ و پوهنمل مول الدین نورزاد^۲

^۱عضو کادر علمی دیپارتمنت جغرافیه پوهنحی تعلیم و تربیه پوهنتون بلخ nazarmohamadmasumi@gmail.com

^۲عضو کادر علمی دیپارتمنت جغرافیه پوهنحی تعلیم و تربیه پوهنتون بلخ Mawluddin.noorzad2018@gmail.com

چکیده

آموزش از اساسی ترین نیازهای بشر است. بدون آموزش، هیچ جامعه ای نمی تواند به بقای خود ادامه دهد، در برنامه‌های درسی جدید و روشهای آموزش آن، تاکید اساسی بر روشهایی است که در آن محصلان نقش فعالی دارد. در این روشها، نقش اصلی در فرایند یادگیری بر عهده محصل است؛ بنابر این پژوهش حاضر با هدف تأثیر آموزش ترکیبی بر عملکرد تحصیلی محصلین دیپارتمنت جغرافیه تعلیم و تربیه پوهنتون بلخ انجام شده است. در این تحقیق برای سنجش پیشرفت تحصیلی از پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. به این ترتیب که آزمون شامل ۴۰ سوال تهیه شد و در آغاز و پایان سمستر اجرا شد. سوالات آزمون پیشرفت تحصیلی در راستای اهداف درس و به‌منظور سنجش میزان تحقق این اهداف است. برای روایی این آزمون، از روش روایی محتوایی استفاده شد. در این زمینه، اطمینان حاصل شد که سوالات آزمون اهداف یادگیری و محتوای درس را به‌خوبی پوشش می‌دهند. برای پایایی آزمون نیز، ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۲ محاسبه شد. برای بررسی رضایت محصلان از اساتید و روش تدریس، از نتایج ارزیابی استاد، به کمک آمريت تضمین کیفیت و ارزیابی دیپارتمنت استفاده شده است. یافته‌های تحقیق تأثیر مثبت روش آموزش الکترونیکی بر میزان رضایتمندی محصلان از روش تدریس بر می‌گردد. تحلیل یافته‌های مرتبط با این بخش از مطالعه نشان می‌دهد سطح رضایتمندی محصلانی که به شیوه ترکیبی آموزش دیده بودند، به شکل معنی‌داری از گروه کنترل بیشتر بوده است. همانطور که در پیشینه موضوع نیز اشاره شد، تحقیق‌های پیشین هم مؤید تأثیر مثبت روش فوق بر رضایت محصلان بوده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش ترکیبی، دیپارتمنت جغرافیه، آموزش سنتی، حضور در صنف؛ آموزش الکترونیک

مقدمه:

در عصر حاضر تعلیم و تربیت و به طور کلی تحصیل بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد، به علاوه کیفیت و کمیت تحصیل نیز نقش مهمی را در آینده فرد ایفا می‌کند. بر این اساس نزدیک به یک قرن است که روانشناسان به صورت گسترده در تلاش برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی می‌باشند (صادقی دیزج و همکاران، ۱۳۹۳).

یونسکو آموزش را به عنوان اصلی‌ترین حق اجتماعی شناخته است. در حالی که مشکل اصلی آموزش به ویژه در کشورهای در حال توسعه هنوز حل نشده است، یونسکو دسترسی به آموزش با کیفیت را به اثرات کاملاً مثبت در اصطلاحاتی چون توزیع نتایج، تولید و رفاه اجتماعی پیوند زده است. این سازمان سه اصل را برای آموزش اعلام کرده است: اصل اول، تکرار حق آموزش به عنوان حق انسانی اساسی به علاوه امکان پذیر نمودن این حق؛ اصل دوم، تأکید دوباره بر آموزش به عنوان یک کالای عمومی و سومین اصل، اولویت برابر جنسیتی و شمول آموزش به عنوان ابتکار جهانی برای سالهای آینده (ذوالفقار و همکاران، ۱۳۸۸).

رویکرد یادگیری ترکیبی، از اوایل قرن بیستم به رایج‌ترین رویکرد تربیتی تبدیل شد. در واقع با توسعه تکنولوژی‌های مانند ابزارهای نسل دوم وب، سیستم مدیریت آموزشی و دیگر تکنولوژی‌های تعاملی که اکثراً حتی با موبایل در دسترس هستند، شکاف موجود میان آموزش سنتی و آموزش بر خط برداشته شد و تلفیق میان این دو روش آغاز شد. اکنون دیگر محدودیت دسترسی نداشتن به تکنولوژی، مانعی بزرگ برای استادان و محصلان مطرح نیست (اسلامی، ۱۳۸۱).

مبانی نظری:

آموزش به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم در برابر تربیت می‌باشد. آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی‌ها، تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی نماید. (ذوالفقار و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸).

مفهوم آموزش به آن قسمت از فعالیت‌های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می‌افتد. براون و اتکینس آموزش را بعنوان ((فراهم آوردن فرصت‌هایی برای اینکه دانش آموزان یاد بگیرند تعریف کرده اند: (Guzer& etl, 2014: 630). معمولاً فعالیت‌هایی که معلم به قصد آسان نمودن یادگیری در یادگیرندگان به تنهایی یا به کمک مواد آموزشی انجام می‌دهد آموزش می‌نامند. گانیه آموزش را روند حل مسئله می‌داند که هدف آن تسهیل در یادگیری است و مسئول آن معلم است. به عبارت دیگر گانیه تسهیل یادگیری بوسیله حل مسئله با مسئولیت معلم را آموزش می‌داند. (عمادی، ۱۳۹۱)

یادگیری الکترونیکی به عنوان تکنولوژی نوین آموزشی، یکی از پدیده‌های دنیای مدرن است که در عصر اطلاعات و در جامعه مبتنی بر دانش پا به عرصه وجود گذاشته است. ویژگی اصلی و اساسی یادگیری الکترونیکی، خاصیت ارتباط و تعاملی آن است. آنچه در حال حاضر یادگیری الکترونیکی به ما ارائه می‌کند؛ روش‌های بهتر برای پردازش و معنا بخش به اطلاعات و خلق مجدد آنهاست. صنوف آموزش سنتی دیگر دارای اثربخشی چندانی نیست، زیرا وابسته به زمان و مکان خاص بوده و نمی‌توانند بافت واقعی و مناسب را برای یادگیری فراهم آورند. متن‌های چاپی نیز به سبب محدودیت‌های خاص خود آفرینند. نرم افزارهای آموزشی منابع غنی را فراهم می‌آورند که می‌تواند فرصتی برای رشد یادگیرندگان باشد و آن ایجاد محیط مشارکتی است که به یادگیرندگان و اساتید اجازه می‌دهد به جستجو پرداخته و انواع مسائل را بررسی کنند و اما نرم‌افزارهای آموزشی به خودی خود، تأثیر اندکی بر یادگیری تدریس دارند. بدون شک این تکنولوژی فرصت‌های متعددی برای محیط‌های یادگیری و تدریس دارند. بدون شک این تکنولوژی فرصت‌های متعددی برای محیط‌های یادگیری ایجاد می‌کند و سبب تعامل آموزشی قابل توجهی می‌گردد، اما به تنهایی نمی‌تواند کیفیت تدریس و یادگیری را افزایش دهد (رخ افزا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹). این بدان معناست که محیط یادگیری و تدریس، عرضه محتوا، فعالیت‌های یادگیرنده، چگونگی اجرای فعالیت‌های یادگیرنده، فرایند سنجش عملکرد یادگیرندگان و فرایند بازخورد باید به گونه‌ای متناسب شکل گیرد و گرنه تضمینی برای تحقق هدف‌های آموزشی وجود ندارد (Deperlioglu etl, 2013: 333).

اسکینر، یکی از بزرگترین حامیان تکنالوژی تدریس است. وی معتقد است که اساتید را می‌توان به‌گونه‌ای آموزش داد که تکنالوژی را به‌درستی در موقعیت تدریس مورد استفاده قرار دهند. از دیدگاه وی تکنالوژی تدریس عبارت است از: فرایند یافتن و آرایش دادن به شرایط یادگیری، با استفاده از علوم فزیک و وسایل الکترونیکی و میکانیکی، تا اینکه این شرایط به کارایی و اثربخشی بیشتری در تدریس بینجامد (عباس کسان و همکاران، ۱۴۰۰).

آموزش ترکیبی روش آموزشی نوین با انتقال مفاهیم و مطالب درسی آسان‌تر، گسترده‌تر و جذاب‌تر همراه با متن، صدا، تصویر و فلم بوده که امروزه برای انتقال مفاهیم در سنین کودکی و نوجوانی به‌صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود. یاد دهنده-یادگیرنده محوری، هزینه‌های متوسط، دیدگاه کیفیت‌گرا، کیفیت بالای یادگیری، بهره‌گیری از انسان و امکانات، و زمان مناسب، خودآموزی کنترل شده و انعطاف‌پذیری در آموزش از ویژگی‌های آموزش ترکیبی است (عجم و همکاران). یادگیری ترکیبی برای حل مؤثر مسائل و مشکلات با یک روش مناسب به کار می‌رود. این نوع آموزش، نه فقط سبب کاهش نقطه‌ضعف‌های آموزش حضوری و همچنین بر خط می‌شود، بلکه به کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در زمان یادگیری کمک می‌کند. به‌کارگیری شیوه ترکیبی در آموزش، آزادی عمل و بینش وسیع‌تری را در بهره‌مندی از ابزار و محیط‌های آموزشی در اختیار کارشناسان تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت خلاقیت و فرایند روبه رشد آن در دوره حاضر، توجه اساتید و پژوهشگران را به تحلیل و بررسی خلاقیت از دید آموزشی جلب کرده (عمادی، ۱۳۹۷: ۲۲۷).

پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی در باره کارایی روش‌های آموزش و یادگیری ترکیبی انجام شده است که در اکثر آنها نتایج نشان دهنده تأثیر مثبت این رویکرد آموزشی بر متغیرهایی مانند پیشرفت تحصیلی یادگیرنده، انگیزش تحصیلی، نگرش، میزان ماندگاری و رضایت محصلان بوده است. البته برخی هم یادگیری تلفیقی را ایده‌ی نامناسب قلمداد کرده و معتقدند این رویکرد، آموزش سنتی را به چالش کشیده است و پیاده‌سازی بسترهای تدریس برخط و یادگیری سیار را ترغیب می‌سازد (Mendez, 2013: 270). در پاسخ به این طرز فکر، موسکال، دزوبان و هارتمن در سال ۲۰۱۶ گفته‌اند که در صورت برنامه‌ریزی و پیش‌تیبایی درست، پیاده‌سازی یادگیری و آموزش ترکیبی نه تنها خوفناک نیست، بلکه می‌تواند باعث تحول عمیق و مثبت آموزش و یادگیری در نظام تحصیلات عالی شود (Woltering, 2009, 730). تحقق این امر، نیازمند رعایت اصولی است که از مهم‌ترین آن‌ها، ارزشیابی مستمر تأثیرات این رویکرد بر استادان، محصلان و دیگر عناصر نظام آموزشی است (Abeysekera, 2015: 12).

مروری بر تحقیقات انجام شده در عرصه تلفیق تکنالوژی در آموزش و یادگیری، در نگاه نخست، تنوع واژه‌ها و روش‌ها و گاهی اوقات سردرگمی میان معانی و قلمرو عبارات کاربردی در این حوزه را نمایان می‌سازد. شاید بتوان گفت ریشه این سردرگمی، نخست در معنای واژه تکنالوژی و مصادیق آن و سپس، مرتبط با اصطلاحات وابسته به این عرصه و ابهام در قلمرو این واژه‌هاست (Olelewe, 2016: 80). یکی از این اصطلاحات یادگیری الکترونیکی است که تعاریف و معانی گوناگونی برای آن ارائه شده است. برای نمونه، برخی صرفاً استفاده از تجهیزات کمپیوتری را در قلمرو یادگیری الکترونیکی قرار داده‌اند. و برخی دیگر استفاده از تلویزون آموزشی، رادیو و ... را هم در تعریف این عبارت مدنظر داشته‌اند. این موضوع در باره دیگر عبارت‌های این عرصه مانند آموزش/ یادگیری تلفیقی یا ترکیبی نیز صدق می‌کند (Bryan, 2016: 28).

گابریل (۲۰۰۳) طی تحقیقی به این نتیجه رسیده است محصلانی که با روش‌های ترکیبی آموزش دیده‌اند، در مقوله پیشرفت تحصیلی تفاوت معنی‌داری با محصلانی داشتند که به شیوه سنتی آموزش دیده‌اند. این محقق گفته است روش آموزش متنی بر تکنالوژی باعث افزایش پیشرفت تحصیلی می‌شود. در مطالعه ملتون و همکاران (۲۰۰۹)، باوجود پیچیده بودن نتایج، نمره‌های پیشرفت تحصیلی محصلان در گروه آزمایش (تحت تأثیر آموزش ترکیبی) در پایان سمستر به طور معنی‌داری بیشتر از گروه کنترل (تحت آموزش سنتی) بوده است. اللو و آگومو (۲۰۱۶) نیز با رویکرد مشابه، روش آموزش ترکیبی را که در آن سیستم مدیریت آموزشی استفاده شده آموزشگر و یادگیرندگان است، با شیوه آموزش سنتی و رودررو مقایسه کرده‌اند. نتایج این تحقیق که تأثیر دو شیوه آموزشی را بر پیشرفت تحصیلی محصلان دوره لیسانس علوم تربیتی بررسی کرده است،

نشان‌دهنده، برتری روش آموزش مبتنی بر تکنالوژی و ترکیبی در مقایسه با روش سنتی و رایج بوده است؛ طوری که دانشجویان در گروه آموزش ترکیبی، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته‌اند تا هم‌تایان ایشان به شکل حضوری و سنتی آموزش را دریافت کرده بودند (Lin, 2001).

محققان دیگری نیز مشابه نتایج مطالعات فوق مبنی بر تأثیر مثبت آموزش ترکیبی، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته‌اند تا هم‌تایان ایشان به شکل حضوری و سنتی آموزش را دریافت کرده بودند. پژوهشگران دیگری نیز مشابه نتایج مطالعات فوق بر تأثیر مثبت آموزش ترکیبی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی را گزارش کرده‌اند که از آنجمله به ولترینگ و همکاران (۲۰۰۹)، ولینگ و هافمن (۲۰۱۰)، مندز و گنزالس (۲۰۱۱ و ۲۰۱۳) اشاره نمود.

نتایج تحقیق ملتون و همکاران (۲۰۰) تأثیر مثبت آموزش به روش ترکیبی بر رضایت محصلان را تأیید می‌کند. به همین ترتیب، ولترینگ و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای در محصلان علوم طبی دریافتند گروهی که به شیوه ترکیبی آموزش دیده بودند، نسبت به گروه مشابه به همان آموزش‌ها را با همان استادان ولی به شیوه سنتی دریافت کرده بودند، رضایت بیشتری از استادان و روش تدریس ایشان داشتند. سایر محققان نتایج مشابهی را در زمینه تأثیر مثبت رویکرد آموزش ترکیبی بر رضایت محصلان از روش تدریس و فضای عمومی درس بیان کرده‌اند. اوستون، یورک و مورتا (۲۰۱۳) در تحقیقی، رضایت عمومی محصلان از دوره‌های آموزشی ترکیبی و ادراک ایشان از میزان راحتی فراهم شده به واسطه این دوره‌ها و نیز رابطه این ادراک با عملکرد تحصیلی محصلان را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه رابطه قوی میان میزان رضایت محصلان و ادراک شان از راحتی دوره‌های آموزشی به شیوه ترکیبی و عملکرد تحصیلی محصلان مشاهده شد؛ طوری که محصلانی با نمره‌های پایانی بیشتر، در مقایسه با محصلان با عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر، رضایت بیشتری از دوره‌های آموزشی ترکیبی داشتند و برای سایر درس‌های شان، روش ترکیبی را به روش سنتی چهره به چهره ترجیح دادند.

روش جمع‌آوری اطلاعات:

در این تحقیق برای سنجش پیشرفت تحصیلی از پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. به این ترتیب که آزمون شامل ۴۰ سوال تهیه شد و در آغاز و پایان سمستر اجرا شد. سوالات آزمون پیشرفت تحصیلی در راستای اهداف درس و به‌منظور سنجش میزان تحقق این اهداف است. برای روایی این آزمون، از روش روایی محتوایی استفاده شد. در این زمینه، اطمینان حاصل شد که سوالات آزمون اهداف یادگیری و محتوای درس را به‌خوبی پوشش می‌دهند. برای پایایی آزمون نیز، ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۲ محاسبه شد. برای بررسی رضایت محصلان از اساتید و روش تدریس، از نتایج ارزیابی استاد، به کمک آمريت تضمین کیفیت و ارزیابی دیپارتمنت استفاده شده است. نظر به اینکه در فورم ارزشیابی استاد، محصلان میزان رضایت خود را از مقوله‌های مانند توانایی علمی، توانایی آموزشی، شیوه‌های ارزیابی و نحوه برخورد استاد با ایشان مشخص می‌کنند، می‌توان گفت نمره‌ای که استادان در این فورم دریافت می‌کنند، نشان‌دهنده میزان رضایت محصلان از اساتید و روش تدریس آن‌هاست. روش اجرای این تحقیق طوری بود که در آغاز سمستر سال ۱۴۰۰، از هر دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد و میزان پیش‌دانشته‌های هر دو گروه درباره موضوع درسی سنجیده شد؛ سپس آموزش به دو شیوه ترکیبی و سنتی ارائه شد و در پایان سمستر هم، پس‌آزمون مشترکی برای هر دو گروه اجرا شد. به‌منظور مقایسه رضایت دو گروه از استاد و روش تدریس نیز از نتایج ارزیابی استاد در آمريت تضمین کیفیت و دیپارتمنت استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

جدول (۱) آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان نظر به سن

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	20-25	15	37.5	37.5	37.5
	25-30	10	25	25	25
	30-35	15	37.5	37.5	100
	مجموع	40	100	100	

جدول (۱) آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان نظر به سن را نشان می‌دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که از جمله (۴۰) تن، (۱۵) تن بین سنین ۲۰-۲۵ سال، (۱۰) تن بین سنین ۲۵-۳۰ سال و (۱۵) تن بین سنین ۳۰-۳۵ سال قرار داشتند. که بر اساس فیصدی به ترتیب ۳۷,۵٪، ۲۵٪ و ۲۷,۵٪ را تشکیل می‌دهد.

فرضیه اول: روش آموزشی ترکیبی بر پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت دارد

جدول (۲) آمار استنباطی در رابطه به فرضیه اول تحقیق

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی داری	مقدار اتا	توان احصائیوی
پیش‌آزمون	۳۶,۵۷۰	۱	۳۶,۵۷۰	۴,۱۸۵	۰,۰۴۹	۰,۱۱۹	۰,۵۰۹
گروه	۱۳,۲۲۳	۱	۱۳,۲۲۳	۱,۵۱۳	۰,۲۲۸	۰,۰۴۷	۰,۲۲۲

همان‌طور که نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد بین گروه‌ها در نمره‌های پیشرفت تحصیلی در مرحله پس‌آزمون در سطح $p > 0.05$ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد؛ یعنی تفاوت بین نمره‌های پیشرفت تحصیلی در گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌دار نیست و روش آموزش ترکیبی نتوانسته است نمره‌های پیشرفت تحصیلی را در مرحله پس‌آزمون افزایش دهد.

فرضیه دوم: روش آموزش ترکیبی بر رضایت تحصیلی محصلان تأثیر مثبت دارد.

جدول (۳) آمار استنباطی در رابطه به فرضیه دو تحقیق

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی داری	مقدار اتا	توان احصائیوی
پیش‌آزمون	۲۰۴,۳۴	۱	۲۰۴,۳۴	۵۵,۷۳	۰,۰۰۱	۰,۷۸	۱,۰۰۰
گروه	۱۷۷,۸۸	۱	۱۷۷,۸۸	۵۴,۲۱	۰,۰۰۱	۰,۶۳	۱,۰۰۰

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول فوق، بین گروه‌ها در نمره‌های رضایت تحصیلی در مرحله پس‌آزمون در سطح $p < 0.05$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی تفاوت بین نمره‌های رضایت تحصیلی در گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌دار است. این بدان معناست که روش آموزش ترکیبی توانسته است نمره‌های رضایت تحصیلی را در مرحله پس‌آزمون افزایش دهد.

نتیجه‌گیری:

توسعه رویکردهای گوناگون آموزش الکترونیکی در مقاطع گوناگون تحصیلی، از جمله در تحصیلات عالی واقعیتی است که همه جوامع اعم از پیشرفته و در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند. نارسایی‌هایی که در آموزش‌های الکترونیکی برخط محض وجود دارد، این روزها نهادهای آموزشی گوناگون را به سمت رویکرد آموزشی ترکیبی سوق داده است. رویکردی که تلاش می‌کند مزیت‌های آموزش برخط را با آموزش‌های چهره به چهره بزند. در این زمینه، دانشگاه‌ها به سیستم مدیریت آموزشی مجهز شدند تا طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ترکیبی را میسر سازند. در مطالعه حاضر تلاش شد یکی از این تجربه‌ها بررسی شود و تأثیر پیاده‌سازی این رویکرد بر عملکرد تحصیلی دانشجویان و میزان رضایتمندی ایشان از استاد و روش تدریس آزمون شود.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد عملکرد تحصیلی محصلان در پایان سمستر در مقایسه با آغاز سمستر، به‌طور چشمگیری پیشرفت کرده است. این بدان معناست که درس چه در روش سنتی و چه در روش ترکیبی، به شیوه مؤثری ارائه شده و بر عملکرد محصلان تأثیر گذاشته است. بر اساس نتایج مطالعات پیشین انتظار می‌رفت رشد عملکرد در گروه آموزش دیده به شیوه ترکیبی بیشتر باشد، اما نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه چنین تأثیری را تأیید نکرد. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده

در مطالعات سزتو (۲۰۱۴) و همچنین تسنگ و والش (۲۰۱۶) همسوست، لیکن با نتایج بدست آمده در مطالعات ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۹)، سالاری و کرمی (۱۳۹۳) و ولترینگ و همکاران (۲۰۰۹) همسو نیست. در تحقیق حاضر روش آموزش ترکیبی تأثیر مثبت بر عملکرد تحصیلی محصلان نداشته است. فرضیه دیگر این تحقیق به تأثیر مثبت روش آموزش الکترونیکی بر میزان رضایتمندی محصلان از روش تدریس بر می‌گردد. تحلیل یافته‌های مرتبط با این بخش از مطالعه نشان می‌دهد سطح رضایتمندی محصلانی که به شیوه ترکیبی آموزش دیده بودند، به شکل معنی‌داری از گروه کنترل بیشتر بوده است. همانطور که در پیشینه موضوع نیز اشاره شد، تحقیقات پیشین هم مؤید تأثیر مثبت روش فوق بر رضایت محصلان بوده است. نظر به یافته‌های این تحقیق، اگر چه تأثیر مثبت رویکرد ترکیبی بر عملکرد تحصیلی معنی‌دار نبود، این یافته‌ها نشان‌دهنده کارایی نداشتن سیستم مدیریت آموزشی و اجرای رویکرد ترکیبی نیست. زیرا ویژگی‌های خاص برخی از آزمودنی‌ها در گروه آزمایش یا مؤثر بودن روش تدریس در گروه کنترل از عواملی هستند که نتایج به‌دست‌آمده را رقم زده اند.

مأخذ

۱. اسلامی، علی. (۱۳۸۱). چند رسانه‌ای، نرم‌افزارها، ساخت و منابع: تهران: انستیتو ایز ایران.
۲. ذوالفقار، میترا؛ سردی، محمدرضا؛ نگارنده، رضا؛ زندی، بهمن و احمدی، فضل‌الله. (۱۳۸۸). نگرش اعضای هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران به تدریس از طریق نظام یادگیری الکترونیکی ترکیبی، مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۵ (۱)، ۳۹-۳۱.
۳. صادقی دیزج، الناز؛ حسینی نسب، سید داوود؛ عسگریان، فریبا؛ شیرعلی پور، اصغر و مقصودی، محمد رضا. (۱۳۹۳). فراتحلیل اثربخشی روشهای تدریس فعال در عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایرانی، یک مطالعه مروری ساختار یافته، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال یازدهم، شماره سی و پنجم، صص ۷۹-۱۰۳.
۴. رخ‌افروز، داریوش؛ صیادی، ندا و حکیم، اشرف‌السادات. (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی و دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز در رابطه با همکاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت یادگیری الکترونیکی ترکیبی - یک مطالعه مقطعی، دو فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی، ۳ (۴)، ۳۸-۳۰.
۵. عباسی کسانی، حامد، مهري، داریوش، محبوب، حسن، و رثوفی، عبدالله. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر به کارگیری یادگیری ترکیبی در آموزش عالی. آموزش در علوم انتظامی، ۹ (۳۲)، ۱۵۷-۱۲۷. SID. <https://sid.ir/paper/952079/fa>
۶. عجم، علی اکبر، جعفری ثانی، حسین، و اکبری بورنگ، محمد. (۱۳۹۶). طراحی الگوی برنامه درسی آموزش ترکیبی برای نظام آموزش عالی بر اساس الگوی اکر. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)، ۱۴ (۲۶) (پیاپی ۵۳)، ۱-۱۶. SID. <https://sid.ir/paper/127536/fa>
۷. عمادی، سید روسل؛ وکلی فرد، امیررضا؛ فرخنده، یونس. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش به شیوه معمول و ترکیبی بر خلاقیت، انگیزش و یادگیری فارسی آموزان غیر ایرانی، فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، ۱۰ (۲۸)، ۲۴۱-۲۲۰.
۸. نجفی، حسین. (۱۳۹۸). مقایسه تأثیر آموزش به روش ترکیبی و سنتی در یادگیری. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۱ (۲)، ۶۳-۵۴. SID. <https://sid.ir/paper/393053/fa>

9. Abeysekera, L., & Dawson, P. (2015). Motivation and cognitive load in the flipped classroom: Definition, rationale and a call for research. *Higher Education Research & Development*, 34(1), 1-14.
10. Bryan, A., & Volchenkova, K. N. (2016). Blended learning: Definition, models, implications for higher education. *Educational Sciences*, 8(2), 24-30.
11. Deperlioglu, O., & Kose, U. (2013). The effectiveness and experiences of blended learning approaches to computer programming education. *Computer Applications in Engineering Education*, 21(2), 328-342.

12. Driscoll, M. (2008). Hype versus reality in the boardroom: Why e-learning hasn't lived up to its initial projections for penetrating the corporate environment. In S. Carliner & P. Shank (Eds.), *The e-learning handbook: Past promises, present challenges*. San Francisco, US: Pfeiffer, John Wiley & Sons, Inc. 29–54.
13. Garrison, D. R., & Vaughan, N. D. (2008). *Blended learning in higher education: Framework, principles, and guidelines*. San Francisco: Jossey-Bass, John Wiley & Sons, Inc
14. Guzer, B., & Caner, H. (2014). The past, present and future of blended learning: An in depth analysis of literature. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116, 4596–4603.
15. Lin, B., & Hsieh, C. T. (2001). Web-based teaching and learner control: A research review. *Computers and Education*, 37(3–4), 377–386.
16. Mendez, J. A., & Gonzalez, E. J. (2011). Implementing motivational features in reactive blended learning: Application to an introductory control engineering course. *IEEE Transactions on Education*, 54(4), 619–627.
17. Woltering, V., Herrler, A., Spitzer, K., & Spreckelsen, C. (2009). Blended learning positively affects students' satisfaction and the role of the tutor in the problembased learning process: Results of a mixed-method evaluation. *Advances in Health Sciences Education*, 14(5), 725–738.